سرمقاله

ایران و دو اهرم قدرت؛ کنترل هرمز یا حفظ اورانیوم!؟

ادامه از صفحه یک

جهان بخاطر تنگه مقابل خواسته‌ای نامشروع آمریکاایستاد.

گنج تنگه، لیگ بازی ایران را تغییر داده است و ما را وارد کلوپ چهار قدرت برتر جهان کرده است.

حفظ موقعیت ایران بر تنگه، قدرت چانه‌زنی کشور برای بهره‌مندی از مزایای فناوری هسته‌ای را فراهم می‌آورد.

هرمز تقدیر ایران برای تغییر خود و تعدیل قدرت‌های شرور حاکم بر عالم است.

معجزه تنگه اخلاقیات و شیوه حکمرانی و منش حضور ایران در صحنه جهانی را تغییر خواهد داد.

هرمز معبر کارآمدی و جبران عقب‌ماندگی‌های ایران است.

بنابراین به عنوان یک ایرانی توصیه‌ام به تصمیم‌گیرندگان، حفظ و صیانت از موقعیت کنونی ایران بر تنگه هرمز است.

به عبارتی تثبیت موقعیت کنونی ایران بر تنگه، باید به خط قرمز غیرقابل خدشه تبدیل گردد.

خبر

با حضور معاون رئیس‌جمهور

آزمون جذب ۵۰۰ مدیر جوان در دولت، برگزار شد

رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، امروز ۸ خرداد با حضور در محل‌های برگزاری آزمون طرح «تربیت ۵۰۰ مدیر جوان و کارآمد» در شهر تهران، از روند اجرای این مرحله بازدید کرد و آن را بخشی از مسیر جوان‌گرایی، جانشین‌پروری و تقویت سرمایه انسانی در نظام اداری کشور دانست.

به گزارش ایرنا از سازمان اداری و استخدامی کشور، علاءالدین رفیع‌زاده معاون رئیس‌جمهور و رئیس این سازمان، در جریان این بازدید با اشاره به تأکیدات رهبر شهید انقلاب بر ضرورت میدان دادن به نسل جوان و تربیت مدیران آینده و مطالبه قائد شهید عظیم‌الشأن امت از دولت چهاردهم در این خصوص گفت: سازمان اداری و استخدامی کشور در راستای اجرای فرامین رهبر شهیدمان و سیاست‌های کلان دولت وفاق ملی و با هدف پرورش مدیران آینده، بلافاصله پس از ابلاغ جهت‌گیری‌ها و تأکید رئیس‌جمهور بر پیگیری و اجرای دستورات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(ره) در نخستین دیدار هیأت دولت با ایشان استفاده از ظرفیت جوانان، جلسات کارشناسی و تخصصی را با حضور صاحب‌نظران آغاز کرد که پس از جمع‌بندی، این برنامه در مسیر تصویب در شورای عالی اداری و فاز اجرا قرار گرفت.

رفیع‌زاده با تأکید بر اینکه تربیت مدیران جوان، متخصص، باانگیزه و مسأله‌محور یکی از نیازهای جدی نظام حکمرانی کشور است افزود: دولت وفاق ملی این مسیر را با جدیت دنبال می‌کند و طرح تربیت ۵۰۰ مدیر جوان و کارآمد، ناظر به همین رویکرد و با هدف شناسایی و پرورش استعدادهای مدیریتی طراحی شده است.

وی ادامه داد: مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران بارها بر ضرورت شایسته‌سالاری، بهره‌گیری از توان جوانان و فراهم‌سازی فرصت برای نسل جدید مدیریتی کشور تأکید کرده و این طرح نیز در همین چارچوب، به‌عنوان یک اقدام هدفمند برای تقویت بدنه مدیریتی آینده کشور در حال اجراست.

معاون رئیس‌جمهور با بیان اینکه تحول در نظام اداری بدون حضور نیروهای تازه‌نفس و توانمند ممکن نیست تصریح کرد: امروز کشور به مدیرانی نیاز دارد که علاوه بر دانش تخصصی، از قدرت تصمیم‌گیری، روحیه حل مسأله، تفکر نقادانه، سلامت اداری، توان کار میدانی و شناخت دقیق از حکمرانی و نظام اداری برخوردار باشند.

شکست راهبری اسرائیل و آمریکا چطور رقم خورد

کارت طلایی تهران در جنگ و مذاکره

در پایان هفته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد که ایالات متحده و ایران به توافقی نزدیک شده‌اند؛ توافقی که در صورت نهایی شدن، می‌تواند به جنگی پایان دهد که آمریکا و اسرائیل در اواخر فوریه علیه ایران آغاز کردند؛ جنگی که به شهادت هزاران نفر در ایران انجامیده است. هم‌زمان، هزاران غیرنظامی نیز در کارزار مرتبط اسرائیل در لبنان جان باخته‌اند؛ بحرانی که نشان می‌دهد دامنه این رویارویی از مرزهای ایران فراتر رفته و به صحنه‌ای منطقه‌ای تبدیل شده است.

جنگی که نه‌تنها حکومت ایران را تضعیف نکرد، بلکه موقعیت آن را تقویت کرد. توافق احتمالی نیز بیشتر عقب‌نشینی اجباری ترامپ جلوه داده می‌شود تا پیروزی. ایران با بستن تنگه هرمز قدرت خود بر اقتصاد جهانی را نشان داده است

به گزارش فرارو به نقل از نشریه نیویورکر، جزئیات توافق مورد بحث هنوز روشن نیست، اما گزارش‌های رسانه‌ای از چارچوبی اولیه حکایت دارد: ایران در برابر پایان محاصره از سوی ایالات متحده، تنگه هرمز را بازگشایی خواهد کرد و هم‌زمان موافقت می‌کند ذخایر اورانیوم با غنای بالای خود را کنار بگذارد.

روز یکشنبه، در گفت‌وگویی تلفنی با دنی سیترینوویچ، پژوهشگر غیرمقیم شورای آتلانتیک، درباره پیامدهای جنگ اخیر و محاسبات سیاسی پشت آن صحبت کردم. این گفت‌وگو که برای اختصار و وضوح ویرایش شده، بر چند محور اصلی متمرکز بود: اینکه چرا نیروهای تندرو در ایران در پی این جنگ موقعیت قوی تری پیدا کرده‌اند؛ بنیامین نتانیاهو در کدام محاسبات خود دچار خطا شد و چه آسیب‌پذیری‌های سیاسی تازه‌ای ممکن است پیش روی او قرار گرفته باشد؛ و چرا تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران، یکی از بزرگ‌ترین خطاهای راهبردی قرن بیست‌ویکم بود.

شما خطوط کلی این توافق احتمالی را چگونه توصیف می‌کنید؟ و آیا راهی وجود دارد که بتوان آن را چیزی جز یک شکست تحقیرآمیز برای آمریکا جلوه داد؟

متأسفانه پاسخ منفی است. ترامپ ناچار بود میان یک گزینه بد و گزینه‌ای بدتر دست به انتخاب بزند و به نظر می‌رسد، او همان گزینه بسیار بد را برگزیده است. با این حال، این همچنان بهترین انتخابی بود که در اختیار داشت. برای فهم این وضعیت باید به ۲۸ فوریه بازگشت؛ روزی که اسرائیل و ایالات متحده این کارزار را با هدف سرنگونی حکومت ایران آغاز کردند. اما نتیجه نهایی، برخلاف هدف اولیه، تقویت همان حکومتی بود که قرار بود تضعیف شود.

بازگشایی تنگه هرمز نیز دستاوردی واقعی محسوب نمی‌شود، زیرا بسته‌شدن آن خود محصول جانبی همین جنگ بود. اکنون ایرانی‌ها قرار است بخشی از منابع مالی را دریافت کنند و احتمالاً پس از امضای توافق، روند کاهش تحریم‌ها نیز آغاز خواهد شد. روشن است که اگر تهران از این توافق منفعت مالی به دست نیاورد، اساساً حاضر به پذیرش آن نخواهد شد. از این منظر، آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم، جنگی است که شاید در سطح تاکتیکی برای آمریکا موفقیت‌هایی به همراه داشته باشد، اما در مقیاس راهبردی، شکست محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد ترامپ از وضعیت کنونی خسته شده است و هم‌زمان از تشدید بیشتر بحران نیز هراس دارد. او می‌تواند همین فردا سطح تنش را بالا ببرد، اما احتمالاً از سناریوی اعزام نیروهای زمینی به‌شدت نگران است؛ سناریویی که می‌تواند آمریکا را وارد مرحله‌ای پرهزینه‌تر و غیرقابل‌پیش‌بینی‌تر کند. ترامپ احتمالاً به‌تدریج این واقعیت را درمی‌یابد که حتی تشدید تنش نیز معادله راهبردی را تغییر نخواهد داد. ایرانی‌ها تسلیم نخواهند شد؛ نه محاصره آنان را به زانو درمی‌آورد، نه حمله به تأسیسات انرژی و نه هیچ فشار دیگری نتیجه‌ای قطعی به همراه خواهد داشت. تهران برای تلافی آماده است و همین آمادگی، هزینه هرگونه ماجراجویی تازه را برای واشنگتن بالا می‌برد. بنابراین، ترامپ عملاً گزینه‌ای جز حرکت به‌سوی همین توافق نداشت

از حرف‌های شما چنین برمی‌آید که تصور اینکه ایران صرفاً مواد هسته‌ای خود را به دولت ترامپ، یا به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یا هر طرف دیگری تحویل دهد، دشوار است؛ زیرا همان‌طور که می‌گویید، این ایران است که اکنون در جایگاه برتر قرار دارد.

کاملاً درست می‌گویید، اما حتی می‌توان یک گام فراتر رفت. آیا واقعاً می‌توان تصور کرد که ترامپ در چند ماه آینده، درست در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، تمایل بیشتری برای بازگشت به جنگ داشته باشد؟ آن هم در شرایطی که همه می‌دانند هزینه‌های اقتصادی چنین جنگی چه اندازه سنگین خواهد بود. پرسش اصلی این است: بازگشت به جنگ برای چه هدفی؟ اگر هدف سرنگونی حکومت ایران باشد، ترامپ ناچار خواهد بود نیروهای زمینی وارد میدان کند. صرف بمباران نمی‌تواند چنین هدفی را محقق کند؛ همان‌گونه که همین جنگ نیز نشان داد، اتکا به حملات هوایی به تن هایی جواب نمی‌دهد.

حتی اگر توافقی هم شکل بگیرد، پرسش مهم‌تری پیش روی واشنگتن قرار دارد: چه کسی در این دولت قرار است چنین توافقی را مذاکره کند و مطمئن شود هیچ راه فراری در آن باقی نمی‌ماند؟ جرد کوشنر؟ استیو ویتکاف؟ بعید است آن‌ها واقعاً پیچیدگی‌های برنامه هسته‌ای ایران را درک کنند. بنابراین، بله؛ آنچه در عمل رخ خواهد داد، احتمالاً چیزی جز موکول کردن مسئله به آینده نیست. واشنگتن شاید از تهران نوعی وعده یا تعهد بگیرد که با مواد هسته‌ای خود کاری انجام دهد و بار دیگر متعهد شود که به‌دنبال سلاح هسته‌ای نخواهد رفت؛ تعهدی که پیش‌تر نیز ذیل توافق هسته‌ای دولت اوباما وجود داشت.

نگرانی جدی این است که مانند آنچه امروز در غزه دیده می‌شود، این توافق نیز هرگز به مرحله دوم نرسد. برخی می‌گویند ایران به تخفیف تحریم‌ها نیاز دارد و همین نیاز، مرحله دوم را ناگزیر خواهد کرد. شاید چنین باشد؛ اما حتی در بهترین حالت، آن مرحله احتمالاً فقط به فریز کردن بخشی از مواد هسته‌ای منجر خواهد شد نه برچیدن تأسیسات هسته‌ای ایران.. مرحله دوم به نابودی یا جمع‌آوری کامل زیرساخت هسته‌ای ایران نخواهد انجامید. چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا اگر چنین مطالبه‌ای واقعاً روی میز بود، امروز اساساً هیچ توافقی در کار نبود.

باید چیزی درباره حکومت ایران به شما بگویم: آن‌ها آن‌قدر احساس می‌کنند در موضع برتر قرار دارند که حاضر نیستند از چیزی چشم‌پوشی کنند. آن‌ها در زمینه سازش به مرزهای خود رسیده‌اند و اکنون در همین نقطه قرار داریم. پرسش بنیادینی که مدام به آن بازمی‌گردم این است: آیا ایرانی‌ها پیش از آنکه آمریکا و اسرائیل به آن‌ها حمله کنند، نمی‌دانستند چه اندازه بر اقتصاد جهانی کنترل دارند؟ یا همیشه این را می‌دانستند و فقط منتظر بودند تا از این قدرت استفاده کنند؟ در هر صورت، نشان دادن اینکه ایران چه میزان قدرت بر اقتصاد جهانی دارد، به نظر می‌رسد چشمگیرترین مورد از میان خطاهای شرم‌آور متعدد دولت ترامپ باشد.

به گمان من، ایرانی‌ها از همان ابتدا می‌دانستند که این جنگ، نبردی معمولی نخواهد بود؛ بلکه جنگی برای بقا و آزمونی وجودی برای آینده حکومت است. نمی‌دانم تهران دقیقاً از چه زمانی برای بستن تنگه هرمز برنامه‌ریزی کرده بود، اما روشن است که در نهایت به این جمع‌بندی رسید که زمان اقدام فرا رسیده است. ایران پیش از جنگ برای چنین سناریویی آماده شده بود، اما به نظر می‌رسد تصمیم نهایی زمانی گرفته شد که رهبران آن فهمیدند این نبرد قرار است تا پایان ادامه یابد. شاید حتی خود ایرانی‌ها نیز از میزان اثرگذاری این اقدام شگفت‌زده شدند؛ تا جایی که احتمالاً از خود پرسیدند چرا پیش‌تر چنین کارتی را بازی نکرده بودند. در واقع، فشار آمریکا و اسرائیل تهران را به این نتیجه رساند که باید همه کارت‌های خود را وارد بازی کند؛ و ایران نیز دقیقاً همین کار را انجام داد. ترور آیت‌الله خامنه‌ای احتمالاً در شکل‌گیری این درک نقش مهمی داشت. ترور آیت الله خامنه‌ای و بیانیه‌هایی که بلافاصله پس از آن منتشر شد، برای ایرانی‌ها این پیام را قطعی کرد که این نبرد، نبردی بر سر آینده حکومت است. وقتی چنین برداشتی شکل می‌گیرد، دیگر همه گزینه‌ها روی میز قرار می‌گیرد.

نکته عجیب اینجاست که انتظار می‌رفت ترامپ، اگر هدفش صرفاً جایگزینی رهبری ایران با حکومتی مطیع‌تر بود، پس از چند روز جنگ را متوقف کند. او می‌توانست پس از سه روز اعلام کند که مأموریت انجام شده است. اما ادامه جنگ، نه‌تنها ایران را به عقب‌نشینی وادار نکرد، بلکه تهران را به سمت استفاده از سخت‌ترین و پرهزینه‌ترین ابزارهای خود سوق داد.

ترامپ باید چنین می‌کرد؟

بله، باید جنگ را متوقف می‌کرد و پیشنهاد مذاکره می‌داد. پس از آن دیگر هیچ هدفی وجود نداشت. بعد از سه روز، همه ما می‌دانستیم که هیچ تغییر نظامی در ایران رخ نخواهد داد. پس چرا جنگ ادامه پیدا کرد؟ جنگ را متوقف می‌کرد، می‌گفت پیروز شده است، درباره برنامه هسته‌ای مذاکره می‌کرد، از این واقعیت که آن‌ها در آشفتگی قرار داشتند بهره می‌برد و تلاش می‌کرد به توافق برسد. اما حالا؟ حالا فاجعه است!

و چرا این کار را نکردند؟

چون او هیچ راهبردی، هیچ برنامه‌ای و در واقع هیچ‌چیزی نداشت. کارشناسان متخصص نیز در اتاق حضور نداشتند. در عوض، افرادی بودند که به ترامپ می‌گفتند: می‌توانی این کار را بکنی، می‌توانی آن کار را بکنی؛ و به او دروغ می‌گفتند. به محاصره نگاه کنید. محاصره او چقدر رقت‌انگیز است؟ باید این کار را پیش‌تر انجام می‌دادید، نه بعد از آن. چه کسی فکر می‌کرد این محاصره ایران را وادار به تسلیم می‌کند؟ واقعاً؟ شما ایرانی‌ها را نمی‌شناسید. از ابتدا روشن بود که این کار جواب نخواهد داد.

درک یا حدس شما درباره جایگاه لبنان در این توافق احتمالی چیست؟ ایرانی‌ها می‌خواهند از دارایی خود، یعنی حزب‌الله در لبنان دفاع کنند و اسرائیلی‌ها نیز می‌خواهند آزادی عمل داشته باشند تا هر زمان خواستند لبنان را بمباران یا به آن حمله کنند. برخی درزهای خبری اسرائیلی نشان می‌دهد که اسرائیل همچنان توانایی اقدام آزادانه در لبنان را خواهد داشت؛ و شاید مهم‌تر از آن، تصور اینکه ترامپ واقعاً به مهار نتانیاهو ادامه دهد دشوار است، مگر اینکه ایرانی‌ها لبنان را به یک اولویت تبدیل کنند و تهدید کنند که دوباره تنگه را خواهند بست یا کاری در همین راستا انجام خواهند داد.

می‌توانم با اطمینان بگویم که ایران از مسئله لبنان عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که به یک دردسر بزرگ برای بنیامین نتانیاهو تبدیل می‌شود. حزب‌الله برای تهران صرفاً یک متحد منطقه‌ای نیست، بلکه یکی از ستون‌های اصلی آن چیزی است که ایران از آن با عنوان «محور مقاومت» یاد می‌کند. به همین دلیل، لبنان برای جمهوری اسلامی اهمیت راهبردی واقعی دارد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران در جریان این جنگ، پیوند زدن دو میدان درگیری بود؛ اقدامی که عملاً معادلات امنیتی منطقه را به هم گره زد. از همین رو، بعید به نظر می‌رسد تهران بپذیرد اسرائیل همچنان حملات خود علیه لبنان را ادامه دهد و در عین حال انتظار داشته باشد روند توافق با ایران پیش برود. در نتیجه، ترامپ اکنون با یک چالش بزرگ مواجه است. او پیش‌تر در آتش‌بس قبلی، وعده‌ای به نتانیاهو داده بود که بر اساس آن، اسرائیل می‌توانست عملیات خود در لبنان را ادامه دهد. پیام ترامپ به نخست‌وزیر اسرائیل این بود: «مشکلی نیست، در لبنان ادامه بده.» اما اکنون شرایط تغییر کرده است. اگر ترامپ واقعاً بخواهد به توافقی پایدار با ایران دست یابد، احتمالاً ناچار خواهد شد دامنه مانور نتانیاهو در لبنان را محدود کند؛ تصمیمی که برای اسرائیل، به‌ویژه برای دولتی که امنیت لبنان را بخشی از راهبرد بازدارندگی خود می‌داند، یک مشکل جدی خواهد بود.

آیا شما این جنگ را برای اسرائیل نیز همانند آمریکا یک شکست راهبردی و سیاسی می‌بینید؟

این دیگر صرفاً یک شکست یا حتی یک فاجعه نیست؛ از نگاه منتقدان، آنچه رخ داده، فروپاشی کامل دکترین اسرائیل درباره ایران است. بنیامین نتانیاهو سال‌ها یک وعده تکراری را مطرح می‌کرد: «فقط فرصت حمله به ایران را به من بدهید.» او سرانجام نه یک‌بار، بلکه دو بار چنین فرصتی را به دست آورد؛ آن هم در حالی که ایالات متحده با تمام ظرفیت خود از ماهواره‌ها و همکاری های اطلاعاتی گرفته تا نیروی هوایی و پشتیبانی راهبردی در کنار اسرائیل قرار داشت.

اما حاصل این کارزار چه بود؟ به‌زعم منتقدان، نتیجه نه تضعیف ایران، بلکه شکل‌گیری حکومتی رادیکال‌تر بود؛ حکومتی که همچنان توان موشکی متعارف خود را حفظ کرده و حتی می‌تواند با سرعت بیشتری به سمت ظرفیت هسته‌ای حرکت کند. از این منظر، آنچه رخ داده یک نمایش فاجعه‌بار بوده است؛ زیرا تقریباً همه وعده‌هایی که نتانیاهو درباره تغییر موازنه علیه ایران داده بود، در نهایت با شکستی آشکار روبه‌رو شد. در چنین فضایی، طرح دوباره ایده‌هایی مانند عادی‌سازی روابط بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد، نشانه‌ای از فاصله گرفتن از واقعیت‌های خاورمیانه به نظر می‌رسد. پرسش اساسی اینجاست: در شرایطی که پس از این جنگ، برخی کشورهای منطقه اسرائیل را حتی بیش از ایران یک تهدید تلقی می‌کنند، چگونه می‌توان انتظار داشت پروژه‌های جدید توافق و عادی‌سازی به‌سادگی پیش برود؟

درست است، لیندسی گراهام و دیگران مطرح کرده‌اند که پایان این جنگ می‌تواند به همکاری نزدیک‌تر میان برخی کشورهای عربی و مسلمان با اسرائیل منجر شود و شاید کشورهای بیشتری به توافق‌های ابراهیم بپیوندند. آیا این را محتمل می‌دانید؟

این حرف‌ها کاملاً از واقعیت جداست. فقط گوش کنید سعودی‌ها چه می‌گویند. مسئله فلسطین برای آن‌ها حیاتی است. این کار جواب نخواهد داد. آن‌ها دارند یک سراب را می‌فروشند. باید واقع‌بین باشیم.

از سوی جریان‌های تندرو گفته می‌شود این جنگ چند دستاورد مهم داشته است؛ مهم‌ترینش اینکه بخش زیادی از توان موشک‌های دوربرد ایران را نابود کرده است. شما این استدلال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بله، بله. خب، قطعاً خسارت‌هایی وارد شده است، اما باید چند نکته را به خاطر داشته باشید. اول اینکه آن‌ها این توان را بازسازی خواهند کرد و همین حالا هم در حال بازسازی آن هستند؛ همان‌طور که گزارش سازمان سیا در اوایل همین ماه گفته است.

دوم اینکه، همان گزارش تأکید می‌کند آن‌ها هنوز بیشتر پرتابگرها و موشک‌های خود را در اختیار دارند. و این توان را دوباره بازسازی خواهند کرد؛ دقیقاً همان‌طور که پس از جنگ دوازده‌روزه ژوئن ۲۰۲۵ چنین کردند. ما می‌دانیم که آن‌ها ظرفیت انجام این کار را دارند. بله، احتمالاً میزان خسارت بیشتر بوده، چون آمریکا در کنار اسرائیل عمل کرده است. اما خب که چه؟ بازسازی آن یک ماه طول نخواهد کشید؛ شاید چهار ماه یا شش ماه زمان ببرد. اهمیتی ندارد. آن‌ها دوباره به ظرفیت پیشین خود بازخواهند گشت. انگیزه و دانش فنی آن را دارند.

در فضای سیاسی اسرائیل، چون ترامپ این موضوع را پیش می‌برد، آیا مخالفان سیاسی نتانیاهو ناچار می‌شوند به ترامپ حمله کنند؛ کسی که در اسرائیل محبوب است؟

نه، حمله اصلی متوجه ترامپ نخواهد بود؛ بلکه متوجه نتانیاهو خواهد شد. مخالفان او می‌دانند حمله به ترامپ سودی برایشان ندارد و به همین دلیل، همه فشار سیاسی را روی نخست‌وزیر اسرائیل متمرکز خواهند کرد. روایت آنان روشن خواهد بود: نتانیاهو، نتانیاهو، نتانیاهو. آن‌ها همین حالا نیز همین مسیر را در پیش گرفته‌اند. خواهند گفت: ببینید در لبنان چه می‌گذرد؛ ببینید در ایران چه اتفاقی افتاد؛ تو نمی‌دانی چه باید بکنی؛ تو راهبردی نداری. این حملات سیاسی، احتمالاً بر شکاف میان وعده‌های بزرگ آغاز جنگ و واقعیت تلخ پایان آن متمرکز خواهد شد. به نظر می‌رسد نتانیاهو تصور می‌کرد این جنگ می‌تواند وضعیت او را در نظرسنجی‌ها تغییر دهد؛ و شاید واقعاً تغییر دهد، اما نه الزاماً به سود او. فاصله میان آنچه در ابتدای جنگ وعده داده شد و آنچه در پایان جنگ به دست آمد، آن‌قدر بزرگ است که افکار عمومی می‌تواند به این نتیجه برسد که به آن دروغ گفته شده است. بعید است نتانیاهو صرفاً به دلیل همین مسئله انتخابات را ببازد، اما در انتخاباتی که رقابت در آن بسیار نزدیک است، چنین موضوعاتی می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

خبر

نقشه راه رهبری برای اجلاسیه سوم چه بود؟

مجلسِ ملتِ مبعوث شده

رهبر انقلاب در پیام آغاز اجلاسیه سوم مجلس، با تأکید بر ضرورت امیدآفرینی، حفظ وحدت ملی و حل مسائل اقتصادی، از نمایندگان خواستند مجلس را به نهادی فعال، مسئله‌محور و هم‌تراز با مطالبات ملت تبدیل کنند.

به گزارش تابناک، پیام رهبر انقلاب به مناسبت آغاز به کار اجلاسیه سوم مجلس شورای اسلامی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و صریح‌ترین پیام‌های راهبردی سال‌های اخیر خطاب به قوه مقننه دانست؛ پیامی که هم حاوی تحلیل شرایط کشور پس از جنگ و فشارهای ترکیبی دشمن است و هم نقشه راهی روشن برای مجلس در حوزه قانون‌گذاری، نظارت، اقتصاد، وحدت ملی و امیدآفرینی ترسیم می‌کند.

در این پیام، مجلس صرفاً یک نهاد اداری یا قانون‌گذار توصیف نمی‌شود، بلکه «عصاره ملت» و «مظهر مردم‌سالاری دینی» معرفی می‌شود؛ تعبیری که نشان می‌دهد جایگاه مجلس در نگاه رهبری، صرفاً تقنینی نیست بلکه بازتاب‌دهنده روح، اراده و جهت حرکت ملت ایران است. از همین منظر است که رهبر انقلاب بر مفهوم «ملت مبعوث‌شده» تأکید می‌کنند؛ ملتی که به تعبیر ایشان، در جریان تحولات و جنگ‌های اخیر، عیار واقعی خود را در ایمان، امید، مقاومت و حضور اجتماعی نشان داده است.

بر همین اساس، پیام اصلی رهبری به نمایندگان آن است که مجلس باید خود را با تراز جدید ملت ایران تنظیم کند. یعنی اگر مردم در میدان‌های سخت، مقاوم، امیدوار و فعال ظاهر شده‌اند، مجلس نیز باید از محافظه‌کاری، روزمرگی و کندی فاصله بگیرد و با «کار و ابتکار مضاعف» به سمت حل واقعی مسائل کشور حرکت کند.

محور مهم دیگر این پیام، اقتصاد و معیشت مردم است. برخلاف برخی نگاه‌های شعاری، در این پیام تمرکز ویژه‌ای بر موضوعاتی چون مهار تورم، رونق تولید، مدیریت نقدینگی، اشتغال، بازسازی خسارات جنگ، نوسازی کشور و اصلاح برنامه هفتم توسعه دیده می‌شود. در واقع، رهبر انقلاب از مجلس می‌خواهند که اولویت خود را از حاشیه‌ها به متن زندگی مردم منتقل کند و مصوباتش «نسبتی مستقیم و مشهود» با نیازهای جامعه داشته باشد.

در همین چارچوب، مفهوم «امیدآفرینی» نیز در پیام، معنایی عملیاتی پیدا می‌کند. امید در این نگاه صرفاً یک شعار رسانه‌ای نیست؛ بلکه محصول ثبات اقتصادی، چشم‌انداز روشن، تصمیم‌گیری مؤثر و مشاهده آثار واقعی حکمرانی در زندگی مردم است. به بیان دیگر، اگر مجلس بتواند در حوزه اقتصاد و معیشت گره‌گشایی کند، خودبه‌خود به نهاد پیشران امید اجتماعی تبدیل خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگر، تأکید رهبر انقلاب بر «وحدت ملی» پس از جنگ و فشارهای خارجی است. ایشان صراحتاً هشدار می‌دهند که دشمن پس از ناکامی در میدان نظامی و اقتصادی، به دنبال ایجاد شکاف اجتماعی، اختلاف سیاسی و فرسایش انسجام ملی است. از همین رو، حفظ وحدت، پرهیز از نزاع‌های بی‌ثمر جناحی و تقویت همبستگی اجتماعی، به عنوان یک وظیفه ملی و انقلابی برای نخبگان و نمایندگان مجلس تعریف می‌شود.

در واقع، پیام رهبری را می‌توان دعوت به شکل‌گیری یک مجلس «مسئله‌محور»، «سریع»، «مردمی» و «امیدآفرین» دانست؛ مجلسی که بیش از آنکه درگیر حاشیه‌های سیاسی باشد، بر حل مسائل واقعی کشور متمرکز شود. تأکید بر تعامل هم‌افزا با دولت در عین حفظ استقلال قوه مقننه نیز نشان می‌دهد که کشور در شرایط فعلی بیش از هر زمان دیگری به هماهنگی و انسجام در حکمرانی نیاز دارد.

این پیام، در عین حال که حاوی توصیه‌های اخلاقی و معنوی است، یک سند سیاسی - اجرایی نیز محسوب می‌شود؛ سندی که از مجلس می‌خواهد در شرایط حساس کنونی، نه صرفاً تماشاگر تحولات، بلکه موتور پیشران بازسازی، ثبات و آینده‌سازی ایران باشد.

خطیب نماز جمعه تهران تاکید کرد

مجلس، دیدبانی امین برای منافع ملی و فراجناحی باشد، نه جایگاهی برای سهم‌خواهی‌های خُرد

خطیب نماز جمعه این هفته تهران گفت: از نگاه رهبری، مجلس شورای اسلامی باید دیدبانی امین برای منافع ملی و فراجناحی باشد نه جایگاهی برای سهم خواهی خرد و منطقه‌ای مورد نظر قرار بگیرد.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد در نماز جمعه این هفته تهران که امروز (۸ خردادماه) در دانشگاه تهران برگزار شد، با اشاره به پیام روز گذشته رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالروز افتتاح سومین اجلاسیه مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: ایشان در این پیام راهبردهایی را ترسیم کردند و از نمایندگان مردم خواستند که تمام توان و ظرفیت خود را برای حکمرانی هم افزا، گره گشایی از دغدغه‌های مردم به خصوص مسائل اقتصادی، رونق تولید و اشتغال، رشد تراز علم و صنعت، ارتقای فرهنگ و اخلاق، مهار تورم و گرانی، محرومیت زدایی همه جانبه مصروف کنند.

وی در ادامه با اشاره به تاکید رهبر معظم انقلاب بر نگاه فراجناحی برای پیشبرد امور، یادآور شد: این تاکیدات به آن معنی است که مصالح ملی بر گرایش‌های خرد و جناحی باید اولویت داده شود تا شاهد پیوند اخلاق و دانش با سیاست باشیم. یعنی باید مصالح ملی و کلان جامعه را ببینیم، تحول در نظام قانون گذاری و تحول در نظام بودجه ریزی، تحول در نظام آموزش و پرورش، تحول در نظام قضایی و تحول در نظام اداری را باید دنبال کنیم.

خطیب نماز جمعه تهران با بیان اینکه انسان مؤمن دغدغه رشد و تکامل دیگران را دارد، افزود: دغدغه او این است که جامعه به عفت، اخلاق و رعایت حدود بین زنان و نامحرم‌ها آراسته شود. اگر دل ها باهم پیوند نداشت، مراقب یکدیگر نبودیم، قطعا این اتحاد مقدس شکل نمی گرفت و با شهادت امام شهید شاهد بعثت ملت بزرگ ایران نبودیم. در حالی که فرازهای بلندی از پیام دیروز رهبری معزز به پایداری از وحدت و انسجام ملی تأکید دارد.

حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد با اشاره به تاکید رهبر معظم انقلاب برای صیانت از انسجام ملی، تصریح کرد: ایشان می‌فرمایند از جمله مصادیق تقوا رعایت و صیانت از وحدت ملی و انسجام بی بدیلی است که حول پرچم ایران اسلامی به ملت بعثت یافته ارزانی شده است. این وحدت ملی از مهم ترین عوامل پیروزی در برابر دشمن است. شُکر این نعمت اهتمام آحاد ملت از جمله نخبگان علمی و سیاسی است. وی افزود: رهبری در بخش دیگری از پیام خود تأکید کردند که نمایندگان باید از پر رنگ کردن اختلافات پوچ سیاسی پرهیز کنند. تک تک جانفدایان که دلشان برای استقلال و سربلندی ایران می‌تپد باید بیش از پیش برای پاسداری از صفوف وحدت ملت اهتمام ورزند و اختلافات غیرموجه یا حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند. این روح و جان سخن رهبری است. همه ما و همه مردان و زنانی که در خیابان هستند باید به آن گوش دهند.

دستاورد دانش و علم سپاه و ارتش، اقتدار ایران اسلامی است

حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد با بیان اینکه ویژگی‌ها و اصول محوری جامعه وحیانی در تراز در سوره کوتاه و فشرده "عصر" بیان شده است گفت: این سوره از نگاه علامه طباطبایی خلاصه‌ای از قرآن است. به عبارتی جامعه در تراز که قیام به قسط و عدالت دارد، چهار ویژگی دارد که نخست آراستگی به ایمان است که به معنای قرار داشتن در قله حیات عقلانی و معرفت است.

وی آراستگی به عمل صالح را از دیگر ویژگی‌های سوره "عصر" برشمرد و گفت: عمل هرچقدر از پشتوانه عقلانی و علمی بالاتر برخوردار تر باشد در مرتبه بالاتری از کمال است. لذا شمشیر زدن علی بن ابی طالب و مالک اشتر برابر نیستند. اگر انبیاء الهی در قله عصمت هستند، برای اینکه هیچ انسانی در این جایگاه نیست. تاکید قائد شهید امت بر قرار گرفتن ایران بر قله علم و دانش برای تبدیل ایرانیان به مرجع علمی جهان از این حقیقت الهام می‌گیرد که اقتدار دستاورد دانش و علم است.

هر انسانی به دانش دست یافت بر دیگران سلطنت می‌کند

خطیب نماز جمعه این هفته تهران با بیان اینکه باید از همه ظرفیت‌های نهفته برای ارتقای علمی بهره ببریم، تصریح کرد: حضرت ولی عصر(عج) این کار را انجام می‌دهد و حضرت علی(ع) در نهج البلاغه که تفسیر قرآن و تفسیر سنت‌های پیامبر اکرم(ص)، می‌فرماید جامعه بشری اگر به علم آراسته شد، می تواند زمین را تسخیر کند. اگر در مرز دانش حرکت کنید به کرانه‌های زمین و آسمان حرکت خواهید کرد و هر انسانی به دانش دست یافت بر دیگران سلطنت می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد قدرت هوافضای موشکی سپاه و قدرت پهپادی ارتش را از دستاورد علم و دانشی دانست و یادآور شد: کشور ما در پرتوی انوار پر فروغ ایمان و عمل صالح به این قدرت بازدارنده استثنایی تبدیل شده است.

وی در ادامه با اشاره به جمله‌ای از نویسنده اسکاتلندی گفت: این نویسنده می‌گوید تمدنی که جبر و ریاضیات را اختراع کرد در حال جنگ با آمریکا است. یعنی امروز علم در ایران اسلامی است که قدرت را برای ملت خلق کرده است. این علم دستاورد مدیریت و رهبری عالمی آراسته به مدرسه وحیانی انبیاء است.

مفقودی

بدینوسیله اعلام می دارد سند کمپانی وانت نیسان رنگ آبی به شماره موتور Z24259433Z و به شماره شاسی PL140D54450 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

بدینوسیله اعلام می دارد شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پراید ۱۳۲ رنگ سفید به شماره موتور 4430300 و به شماره شاسی S5420090076801 بشماره پلاک ۷۸۸ و ۳۷ ایران ۲۴ مدل ۱۳۹۰ به نام صفر قاسم پورمفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه ق